



۱۲ جنوری، ۲۰۲۶

میر عبدالذحیم عزیز

یادی از پیلوتان، هواپازان و افسران مجاهد و وطن‌دوست

از سال ۱۹۷۸ یعنی زمان کودتای مزدوران روس تا حال، افغانستان شاهد بربادی های بیشماری بوده است. کشور برباد رفته ما بهترین و میهن دوست ترین انسان های خود را از دست داد که نبود آنها نمیتواند به آسانی جبران گردد. ده سال تجاوز شوروی به افغانستان و تحمیل یک نظام دست نشانده شیرازه وحدت ملی ما را تخریب نمود و تعداد کثیری از انسان ها راستین و با شرف را که حافظ میهن بودند یکسره نابود ساخت. هنوز افغانستان از وحشت دوران اشغالش توسط شوروی و نظام مزدور مسکو و بعد جنگ های داخلی که توسط دست نشاندهگان ایران و پاکستان به راه انداخته شد، کمر راست نکرده بود که بار دوم در اشغال یک ابر قدرت جهانی دیگر درآمد. ۲۰ سال اشغال افغانستان توسط قوای استعمار غرب ضربه هولناکی بر پیکر وحدت ملی مردم ما وارد کرد که نتایج مصیبتبار آن را کماکان تجربه می نمائیم. در هر دو دوره، میهن دوستان و میهن فروشان در تقابل هم قرار گرفتند. عده ای جانب مردم و میهن را گرفتند و عده ای هم به اشغالگران پیوستند و حامی نظام پوشالی وقت شدند. در این راستا، نقش نظامیان و پیلوت ها و هواپازان با شرف و نظامیان و پیلوت های شرف باخته قابل تشخیص است. باید یادآور شد که یک عده از افسران میهن دوست نظامی قطعات زمینی با وسایل حربی (تانک و ماشین های محاربوی) و سلاح های خفیه هم با احساس تنفر از اشغالگران روس و نظام مزدورش برای منظور آزادی کشور از قید بردگی به صفوف مجاهدین پیوستند. عملکرد شرافتمندانه پیلوتان، هواپازان و نظامیان میهن دوست در صفحات زرین تاریخ کشور ثبت خواهد شد. جنرال گروموف قومندان قوای اشغالگر نمبر ۴۰ و قومندان قوت های هوایی روس در افغانستان اظهار داشت: "کمر روس ها را افسران افغان که در نظام کمونیستی کابل برای مجاهدین وقت کار میکردند و با آنها پیوستند، شکست."

قابل تذکار است که قیام ضد روس و دولت خلقی- پرچمی افسران مراکز نظامی استراتژیک خوست و اسمار لرزه بر اندام نظام دست نشانده و اشغالگران روسی انداخت. این افسران مجاهد یا به صفوف مجاهدین پیوستند و یا اینکه نیرو های مستقل مقاومت را علیه اشغالگران و مزدوران شان به وجود آوردند. قیام و پیوستن غند ۹ کوهی اسمار با همه تجهیزات و وسایط نظامی، قیام تولی کشف گردیز، قیام غند سرحدی خوست با همه سلاح های خفیه و وسایط ثقیله ماشین های محاربوی، قیام قول اردوی مرکزی که به ناکامی افسران و شهادت و زندانی شدن آنها تمام گردید و صد ها نبرد و قیام های دیگر ضربات کوبنده بر فرق اشغالگران روس و حامیان داخلی آنها وارد نمود. همچنان تعداد کثیری از افسران در جریان قیام فرقه هرات که به شهادت ۲۱ هزار مردم ملکی و افسران نظامی منجر شد، با همه تجهیزات نظامی به مجاهدین پیوستند. تاریخ کشور عزیز ما هرگز این افسران با وجدان و وطن دوست و جان باختگان راه آزادی را فراموش نخواهد کرد.

در اینجا از اعمال ضد میهنی و خیانت ملی افسران خلقی - پرچمی که تحت فرمان افسران روسی عمل می کردند، هم باید ذکر نمود. پیلوتان و افسران غلام صفت به امر آمران روسی و دولت مزدورش هزار ها تن (۲۱ هزار) مردم مجاهد و وطن دوست هرات و افسران نظامی فرقه ۱۷ این ولایت را توسط طیارات میگ به شهادت رسانیدند که مردم نجیب افغان عملکرد این خاینان را برای همیشه به یاد خواهند داشت. هکذا، در زمان ۲۰ سال جمهوریت فاسد دست نشانده غرب، پیلوتان و نظامیان فروخته شده بر مردم بیگناه مصیبت آفریدند. بالاخص، قطعات وحشی ۰۱، ۰۲ و ۰۳ که برای خلق وحشت و ارباب در میان مردم ملکی و خانواده های شان توسط اشغالگران غرب تشکیل شده بودند، مثال دیگر از خیانت نظامیان حامی اشغالگران را به اثبات می رساند. این گروه های ضد بشر به منازل مردم شبانه داخل میشدند، مردان را می کشتند، زنان را در برف و باران برهنه می ساختند و حتا به آنها تجاوز می کردند. همه این اعمال ضد بشری در مقابل چشمان آمران اجنبی اتفاق می افتاد. مردم وطن دوست ما این چهره های سیاه را هم فراموش نخواهند کرد.

به تعداد ۱۲ تن از پیلوتان همراه با معاونان و عملة پروازی طیارات جنگنده و هیلوکوپتر ها و همچنان به تعداد تقریبی ۸۰-۹۰ تن از پرسونل هوایی و مدافع هوایی بدون واسطه هوایی (بدون طیاره- هیلوکوپتر) در دهه هشتاد از دست روس ها و مزدوران خلقی - پرچمی نزد مجاهدین به پاکستان فرار نمودند. اولین علمبرداران جهاد استادان حربی شونخی و معلمان ورزیده و مشهور پیلوتان قوای هوایی بودند که اسمای یک عده آنها قرار ذیل است:

جنرال میرانجام الدین خان آغا پیلوت

تورن محمد علم خان پیلوت

تورن عجب گل خان پیلوت

بعداً

تورن خان پیلوت

جگتورن ولید خان پیلوت

تورن شاه محمد خان پیلوت

استادان و معلمان مشهور حربی شونخی

دگرمن افضل خان

تورن نصیر احمد خان

تورن سراج الدین

تورن افغان خان

و امثال این مردان دلیر و میهن دوست، ده ها افسر لایق و مسلمان به جهاد عملی پیوستند که تعداد زیاد آنها جام شهادت را نوشیدند. اما گروه های جهادی که خود در خدمت پاکستان بودند، نتوانستند از پیلوتان و طیارات آورده شده طور شایسته نگهداری نمایند. مجاهدین که دولت جلای وطن را در پاکستان تشکیل داده بودند، باید حد اکثر سعی و تقلاء میکردند تا از دارائی های افغانستان برای آینده کشور محافظت نمایند. مسئولیت حفظ طیارات و انتقال آنها به داخل برای نظام اسلامی آینده افغانستان (دولت موقت) تحت رهبری مجددی و ربانی کلاً بدوش رهبران جهادی بود. اما چنین نشد و خدمات نظامیان و پیلوت های افغان هم به هدر رفت. ضربه بیشتر را ربانی و مسعود بر پیکر اردوی افغانستان وارد کردند و این دستگاه عظیم نظامی را به هدایت و به نفع پاکستان مضمحل ساختند. این خیانت ربانی- مسعود به میهن ثبت اوراق سیاه تاریخ کشور شده است تا نسل های آینده چهره های کثیف این فاسقان تاریخ را خوب بشناسند و هویت ضد افغانی آنها را تشخیص دهند.

اسمای یک عده از پیلوت های مجاهد و وطندوست که زیر یوغ اشغالگران شوروی و دولت مزدور ش نرفتند و نخواستند که مردم خود را در زیر راکت و بم های طیارات جنگنده و هیلوکوپتر های روسی نابود نمایند، قرار ذیل است:

۱. یک بال هیلوکوپتر می- ۸ حربی (MU-۸) به تاریخ ۷/۱۲/۱۳۵۹ توسط پیلوت جمال الدین از میدان هوایی قندهار پرواز نموده و به نزد مجاهدین به پاکستان آورده شد.

۲. یک بال طیاره حربی سو-۷ (Su-۷) به تاریخ ۸/۲۸/۱۳۶۲ توسط تورن محمد نبی از میدان هوایی شیندند به پاکستان آورده شد.
۳. یک بال طیاره ان-۲۶ (AH-۲۶) به تاریخ ۱/۷/۱۳۶۳ توسط جگرن پیلوت فقیر محمد از میدان هوایی کابل به پاکستان آورده شد.
۴. یک بال هیلوکوپتر می-۲۵ حربی (Mu-۲۵) به تاریخ ۲/۴/۱۳۶۴ توسط تورن پیلوت محمد اسحاق از میدان هوایی خوست به پاکستان آورده شد.
۵. یک بال هیلوکوپتر می-۲۵ حربی (Mu-۲۵) به تاریخ ۲/۴/۱۳۶۴ توسط پیلوت حبیب الله همراه با محمد عمر معاون پیلوت از میدان هوایی خوست به پاکستان آورده شد.
۶. یک بال طیاره میگ-۲۱ (Mig-۲۱) به تاریخ ۱/۸/۱۳۶۵ توسط پیلوت تورن محمد داوود از میدان هوایی بگرام به کابل آورده شد.
۷. یک بال طیاره ان-۲۶ (AH-۲۶) به تاریخ ۳/۲/۱۳۶۷ توسط پیلوت تورن عبدالملک از میدان هوایی کابل به پاکستان آورده شد.
۸. یک بال طیاره میگ-۲۱ (Mig-۲۱) به تاریخ ۱۸/۹/۱۳۶۷ توسط پیلوت تورن اسدالله از میدان هوایی بگرام به پاکستان آورده شد.
۹. یک بال هیلوکوپتر می-۳۵ حربی (Mu-۳۵) به تاریخ ۱۲/۴/۱۳۶۸ توسط پیلوت سخی الله از میدان هوایی قندهار و از طریق شهر قلات به پاکستان آورده شد.
۱۰. یک بال هیلوکوپتر می-۲۵ حربی (Mu-۲۵) به تاریخ ۱۲/۴/۱۳۶۸ توسط پیلوت تورن محمد حامد از میدان هوایی قندهار به پاکستان آورده شد.
۱۱. یک بال طیاره سو-۲۲ (Su-۲۲) به تاریخ ۱۵/۴/۱۳۶۸ توسط پیلوت تورن جان محمد از میدان هوایی بگرام به پاکستان آورده شد.
۱۲. یک بال طیاره میگ-۲۱ (Mig-۲۱) به تاریخ ۷/۷/۱۳۶۸ توسط پیلوت جلال الدین از میدان هوایی بگرام به پاکستان آورده شد.

اگر واقعاً رهبران جهادی انسان های ملی میبودند و دل شان به حال و آینده وطن می تپید، از پیلوت های نجیب و میهن دوست و سائر نظامیانی که حیات خود و خانواده خویش را به خطر انداختند، می توانستند حد اکثر استفاده را برای اعمار مجدد اردوی افغانستان نمایند. اما نه تنها گروه های جهادی در این ساحه ناکام شدند بلکه همچنان مشاهده کردیم که چه خیانت عظیمی را رهبران جهادی مانند سیاف، گلبدین و امثال آنها مرتکب گردیدند. در اینجا خیانت و جنایت غیر قابل انکار ربانی – مسعود قابل ذکر است که به هدایت پاکستان و غرض رسیدن به قدرت

در حق کشور و بالاخص اردوی افغانستان مرتکب شدند. البته رهبران جهادی شریفی مانند مولوی خالص و مولوی محمد نبی هم وجود داشتند که با تهور جهاد کردند اما بعد از شکست شوروی و سقوط نظام پوشالی در کابل از هر گونه وظیفه دولتی خودداری ورزیدند و با وجدان پاک و حفظ خاطرات تابناک جهاد به زندگی عادی خود برگشتند. باید خاطر نشان ساخت حفظ طیارات آورده شده به پاکستان مسئولیت گروه های جهادی بود که دولت جلای وطن را در پاکستان تشکیل داده بودند. لکن به اثبات رسید که این گروه ها علاقه برای حفظ سرمایه های ملی نداشتند.

قابل یادآوری است که حلقه شهروز تنی خلقی مانند برید جنرال غلام رسول، نظر محمد مهمند، برید جنرال خواجه محمد شفیع و دیگران که هیچگونه ارتباطی با مجاهدین نداشتند، بعد از کودتای ناکام علیه نجیب چند هیلوکوپتر را هم به پاکستان آوردند که این عملکرد شان کاملاً مجزا از پیلوت های میهن دوست بود. اینها بعد از کودتای ناکام خود را در خدمت استخبارات پاکستان قرار دادند و کلاً تابع دساتیر این کشور گردیدند.

ناگفته نباید گذاشت که یک تعداد از پیلوت های زمان جمهوریت فاسد و دست نشانده غرب که با طیارات و هیلوکوپتر ها (۳۷-۴۰ بال) به هدایت اشغالگران و استعمارگران و تحت قومنده جنرال فهیم قومندان عمومی هوایی و مدافع هوایی (یک انسان غیر مسلکی اما شورای نظاری) به کشور های آسیای مرکزی فرار نمودند، به هیچوجه هویت ملی ندارند. آنها سال ها در خدمت اشغالگران غرب قرار داشتند و مانند قطعات ۰۱ و ۰۲ و ۰۳ مرتکب جنایات غیر قابل بیان در حق کشور و مردم خویش گردیدند. این گروه کثیف دستور داشتند که قریه ها، منازل و مناطق قابل رهاش را بمباران نمایند و هر جنبنده را نابود سازند. اینها هویت حیوانی داشتند و مغز شان از ترحم انسانی تهی بود. هر عمل ضد بشری این گروه در بدل پول انجام میشد و آمران اجنبی هم خوشحال بودند که افغان را توسط افغان به سوی نیستی می کشانند. عده ای از این گروه نابکار به امریکا و برتانیه هم آمده اند و انتظار فرامین جدید را دارند تا در کجا به فرمان آمران اجنبی وحشت خلق نمایند. در تقابل با این نابکاران تاریخ، پیلوتان و هواپازان شریف از هر گونه همکاری با اشغالگران غرب خودداری ورزیدند. از این مردم میهن دوست دعوت شده بود که به نظام دست نشانده غرب بپیوندند و وظایف عمده با معاشات گزاف را به بدوش گیرند. اما پیلوتان و هواپازان ملی و ضد استعمار به حکم وجدان و شرافت ملی و اسلامی، تقاضا های اشغالگران را رد کردند و به زندگی آزاد و شرافتمندانه خود ادامه دادند. این میهن دوستان اظهار داشتند وقتی که حیات بردگی را تحت اشغال شوروی نپذیرفتیم، چطور میتوان حلقه غلامی زیر اسارت غرب را به گردن انداخت.

دوازده تن از پیلوت های با شرف و با عزت همراه با معاونان و هواپازان مجاهد که در دهه هشتاد از اوامر اجنبی سرباز زدند و خطرات جانی را برای خود و خانواده های خویش پذیرفتند، همیشه نام و سجایای ملی و اسلامی شان در ذهن و قلب مردم نجیب و وطن دوست ما باقی خواهد ماند و جان نثاری و شرافت انسانی آنها به منظور حفظ شرف و عزت ملی سرمشق زندگی رزمندگان آینده کشور خواهد شد.

پایان